

خانه تکانی دل!





مقدمه

الحمد لله رب العالمين والصلوة والسلام على سيد الانبياء والمرسلين محمد(ص) و اهل بيته الطاهرين

يا مقلب القلوب والابصار يا مدبر الليل و النهار يا محول الحول والاحوال حول حالنا الى احسن الحال

یکی از سنت های خوب مردم ایران خانه تکانی است که ما در اینجا از همه خانم هایی که زحمت خانه تکانی به دوش آنها تشکر می کنیم ولی از خانه تکانی منزل و وسایل منزل مهم تر، خانه تکانی دل است. دل هم نیاز به خانه تکانی دارد. باید کینه ها و اختلافاتی اگر با فامیلی داریم با دوستان داریم را کنار بگذاریم و به دل صفا بدهیم که از محبت خاها گل میشود. لذا خداوند همه ما را برادر هم قرار داده و فرمود بین خود اصلاح کنید و بین شما قهر و اختلاف نباشد خوشا بحال کسی که برای صلح و سازش پیشقدم شود که در پیشگاه خداوند مقام بالایی دارد

در این کتاب به بررسی اینکه چگونه دل را خانه تکانی کنیم پرداخته شده است. انشالله مورد استفاده خوانندگان محترم قرار گیرد.

عید 1400. کرمانشاه

خانه تکانی دل

بخش اول: عیب یابی دل!

عیوب زبان

انسان با زبانش می تواند بهترین سخنها را بگوید و با زبانش ایجاد محبت و صمیمیت کند . افرادی را هدایت نماید . علم بیاموزد . نصیحت کند . با خدا راز و نیاز نماید و دهها کار مفید انجام دهد .
ومی تواند با زبانش به کارهای زشت سفارش کند . ایجاد دشمنی نماید . اسرار دیگران را فاش کند .
به دیگران ناسزا و دشنام بگوید و دهها گناه انجام دهد

:امام سجاد علیه السلام

حَقُّ اللِّسَانِ إِكْرَامُهُ عَنِ الْخَنِی وَتَعْوِيدُهُ الْخَيْرَ وَتَرْكُ الْفُضُولِ الَّتِی لَا فَائِدَةَ لَهَا وَالْبِرُّ بِالنَّاسِ وَحُسْنُ الْقَوْلِ فِيهِمْ

حقّ زبان،

احترام گذاشتن به آن با ترک زشت گویی

عادت دادنش به خوبی

ترک گفتار بی فایده

و نیکی به مردم

و خوشگویی درباره آنان است

بحار الأنوار، ج ۷۱، ص ۲۸۶، ح ۴۱^۲

بدزبانی:

ناسزاگویی:

یکی از گناهان زبان، فحش و ناسزا است. عده‌ای از انسانها به عادت زشت ناسزاگویی عادت کرده اند. گاهی عادت دارند که به همسر و فرزندان‌شان ناسزا بگویند. گاهی عادت دارند به زیر دستان خود اهانت کنند. و گاهی پارا فراتر گذاشته و به مقدسات و ارزشهای مردم ناسزا و اهانت می کنند.

عوامل ناسزا گوئی

1- عادت

2- عصبانیت

3- شوخی

4- مقابله به مثل

5- مسائل سیاسی و حزبی

6 - مسائل اقتصادی

7 - تربیت نادرست

درمان ناسزاگوئی

1 - سکوت

اگر انسان سکوت کند و تا ضرورت نشود حرف نزند از بسیاری از گناهان زبان در امان می ماند.

«رسول خدا صلی الله علیه و آله : هرگاه دیدید که مؤمن خاموش و باوقار است، به او نزدیک شوید که او به حکمت دست پیدا کرده است»⁽¹⁾

2 - تربیت صحیح از دوران کودکی

والدین باید مواظبت کنند که خود ناسزا نگویند و فرزندانشان هم ناسزا نگویند.

«پیامبر صلی الله علیه و آله : فرزندان خود را احترام کنید و ادب خوب به آنها بیاموزید.»⁽²⁾

3 - رعایت ادب نسبت به دیگران

«علی علیه السلام : دیگران را نیکو صدا بزنید تا شما هم جواب خوب بشنوید.»⁽³⁾

زانگس که نام خلق بگفتار زشت کشت دوری گزین که از همه بدنام تراست

1. خوبی ها و بدی ها - ارشادالقلوب 1/104

2. خوبی ها و بدی ها - مکارم الاخلاق 223

3. خوبی ها و بدی ها .

دشنام در آئینه احادیث

«پیامبر صلی الله علیه و آله : کسی که به پدر و مادرش دشنام دهد، ملعون است ! پرسیدند که مگر کسی به پدر و مادرش دشنام می دهد؟ فرمود: شخصی به پدر دیگران فحش می دهد، آنها هم به پدر و مادر او فحش می دهند.»⁽¹⁾

«علی علیه السلام : از کلام زشت و ناروا دوری کنید که باعث می شود که پستان ورذلان بشما نزدیک شده و افراد بزرگوار از شما بگریزند.»⁽²⁾

«پیامبر صلی الله علیه و آله : فحش دادن به مؤمن مثل نزدیک شدن به مرگ است.»⁽³⁾

«امام صادق علیه السلام شنید که مسلمانی به غلامش فحش داد . به این خاطر امام با او قطع رابطه کردند.»⁽⁴⁾

«امام صادق علیه السلام : فحش دادن ظلم است و ظالم در آتش جهنم است.»⁽⁵⁾

انواع فحش

1 - ناسزا به ناموس 2 - خطاب کردن به اسم حیوان 3 - بوسیله کاریکاتور و نقاشی اهانت کردن 4 - با اشاره توهین کردن و ...

باکس مکن ای برادر من

هر بد به خود نمی پسندی

دشنام مده به مادر من

گر مادر خویش دوست داری

تحقیر کردن:

ما اجازه نداریم هیچ انسانی را حتی انسان گناهکار را تحقیر نماییم و به او اهانت کنیم. و خداوند اعلان جنگ کرده با کسی که مومنی را تحقیر کند و او را کوچک بشمارد.

حسن ح

پرسیده شده در ۳ سال پیش

.سلام یه پسر هشتم ۱۸ ساله

اینا بدبختی (نمیخوام موج منفی بدم ولی مجبورم بنویسم) های من هستن ک از بچگی دارم تحمل میکنم

خجالت،افسردگی،ترس از جمع،عدم محبوبیت و کسل بودن:)))))) و تنهایی و برقراری ارتباط با دیگران هم که صفر

شاید جاش اینجا نیست ولی ناچارم اینجا بنویسم روانشناسم رفتم جواب نگرفتم تو انجمنای روانشناسی هم نوشتم ولی جوابای تکراری و بی ارزش

...گفتم اینجا بنویسم شاید دری به روم باز شد

از بچگی تا همین الانم ازم انتقاد کردن. منو تحقیر کردن باهام مثل یه بچه رفتار کردن تا همین الانم ...که ۱۸ سال دارم

..... تقریبا میتونم بگم تو زندگیم هیچ دوستی نداشتم اگر داشتم همشون ازم دور شدن
ینی یه وضعیه که بچه های ۱۳_۱۲ ساله فامیلا غرورمو میشکنن .. البته چه غروری؟ من که کل عمرم غرورم تو همه ی جمع ها توسط نزدیکانم شکست هر کی منو میبینن مثل یه بچه ی ۱۰ ساله باهام رفتار

میکنه.. به خدا وقتی میبینم بچه های همسن فامیل حال خوشی دارن دوستای زیادی دارن میخوام فقط... بمیرم

((: خیلی وقتا فکر خودکشی میزنه به سرم ولی چون اعتقاداتم میتونم بگم قویه نمیتونم

یعنی دقیقاً شخصیتی که آینده ای که ازش متنفررررر بودم دارم بهش تبدیل میشم

خییییلی وقتا دلم گرفته هست... تنها دوستمم گوشه و کامپیوترمه که باهاش برنامه مینویسم و سرمو..... گرم میکنم

...همین الانم که دارم مینویسم حالم بده و دلم خیلی گرفتست
(:یعنی یه وضعی

((:خدایا!!! دیگه تحمل ندارم کمکم کن
منتظر پاسخا و راهنمایی های خوبتونم

بر اساس تعالیم دین اسلام تحقیر و تمسخر هیچ انسانی جایز نیست؛ لذا از نگاه قرآن تفاوت نمی کند که فرد مورد تحقیر و تمسخر فامیل خود انسان، یا فامیل همسر و یا دیگران باشند. قرآن کریم در نهی تحقیر و تمسخر دیگران می فرماید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا يَسْخَرُ قَوْمٌ مِنْ قَوْمٍ عَسَىٰ أَنْ يَكُونُوا خَيْرًا مِنْهُمْ وَلَا نِسَاءٌ مِنْ نِسَاءٍ عَسَىٰ أَنْ يَكُنَّ خَيْرًا مِنْهُنَّ وَلَا تَلْمِزُوا أَنْفُسَكُمْ وَلَا تَنَابَزُوا بِالْأَلْقَابِ بِئْسَ الْأِسْمُ الْإِيسْمُ» ای کسانی که ایمان آورده اید! نباید [1]الْفُسُوقُ بَعْدَ الْإِيمَانِ وَمَنْ لَمْ يَتُبْ فَأُولَٰئِكَ هُمُ الظَّالِمُونَ؛ گروهی از مردان شما گروه دیگر را مسخره کنند، شاید آنها از اینها بهتر باشند، و نه زنانی زنان دیگر را، شاید آنان بهتر از اینان باشند و یکدیگر را مورد طعن و عیب جویی قرار ندهید و با القاب زشت و ناپسند یکدیگر را یاد نکنید، بسیار بد است که بر کسی پس از ایمان نام کفر آمیز بگذارید و آنها که !توبه نکنند، ظالم و ستم گرند

مخاطب این آیه همه مؤمنان اند، اعم از مردان و زنان، این آیه در مقام بیان یکی از آداب معاشرت است و آن این که اهل ایمان یکدیگر را به مسخره نگیرند و در گفت و گو و رفتار همدیگر را سبک

نشانند و استهزاء نمایند، و همواره در نظر داشته باشند امکان دارد که آن شخصی که او را مسخره نموده و سبک شمرده‌اند در واقع و نزد پروردگار بهتر و گرامی‌تر باشد.

علاوه بر این که تمسخر همسر جایز نیست، اساساً در آموزه‌های دینی توصیه شده است که با 2. همسرانتان به بهترین روش معاشرت داشته باشید: «... وَ عَاشِرُوهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ فَإِنْ كَرِهْتُمُوهُنَّ فَعَسَى أَنْ وَبَا آنان (زنان) به نیکویی رفتار کنید. و اگر شما را از [2] تَكْرَهُوا شَيْئًا وَ يُجْعَلَ اللَّهُ فِيهِ خَيْرًا كَثِيرًا؛ زنان خوش نیامد، چه بسا چیزها که شما را از آن خوش نمی‌آید، در حالی که خدا خیر کثیری در آن نهاده باشد.

بنابر این، تمسخر و تحقیر بستگان همسر با این توصیه قرآنی همخوانی ندارد، و اصولاً چنین رفتاری با آرامشی که دلیل اصلی ازدواج است منافات دارد

وَ مِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا وَ جَعَلَ بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً وَ رَحْمَةً إِنَّ فِي ذَلِكَ « از نشانه‌های قدرت او است که همسرانی از جنس خودتان برایتان آفرید تا [3] لَا يَاتِ لِقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ؛ به آنها آرام گیرید و در میانتان دوستی و مهربانی به وجود آورد، به راستی که این عبرتی است، برای آنان که می‌اندیشند.

حجرات، 11. [1]

نساء، 19. [2]

روم، 21. [3]

آیات مرتبط

- سوره النساء (19): يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا يَحِلُّ لَكُمْ أَنْ تَرِثُوا النِّسَاءَ كَرِهًا ۖ وَلَا تَعْضُلُوهُنَّ لِتَذْهَبُوا بِبَعْضِ مَا آتَيْتُمُوهُنَّ إِلَّا أَنْ يَأْتِيَنَّ بِفَاحِشَةٍ مُبَيَّنَةٍ ۚ وَعَاشِرُوهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ ۚ فَإِنْ كَرِهْتُمُوهُنَّ فَعَسَىٰ أَنْ تَكْرَهُوا شَيْئًا وَيَجْعَلَ اللَّهُ فِيهِ خَيْرًا كَثِيرًا
- سوره الروم (21): وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا وَ جَعَلَ بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً وَ رَحْمَةً ۚ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ

- سوره الحجرات (11): يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا يَسْخَرْ قَوْمٌ مِنْ قَوْمٍ عَسَىٰ أَنْ يَكُونُوا خَيْرًا مِنْهُمْ وَلَا نِسَاءٌ مِنْ نِسَاءٍ عَسَىٰ أَنْ يَكُنَّ خَيْرًا مِنْهُنَّ ۚ وَلَا تَلْمِزُوا أَنْفُسَكُمْ وَلَا تَنَابَزُوا بِالْأَلْقَابِ ۚ بِئْسَ الْإِسْمُ الْفُسُوقُ بَعْدَ الْإِيمَانِ ۚ وَمَنْ لَمْ يَتُبْ فَأُولَٰئِكَ هُمُ الظَّالِمُونَ

• مقام مؤمن در پیشگاه خدا

- بنده مؤمن نزد خداوند متعال بسیار عزیز و محترم است. خداوند بندگان مؤمن را دوست می دارد و **لِلَّهِ الْعِزَّةُ** ... دارد و عزت و سربلندی را از آن مؤمنان می داند، چنان که می فرماید؛ (63: 8...) عزّت و سرفرازی تنها از آن خدا و پیامبر و مؤمنان **...لِرَسُولِهِ وَلِلْمُؤْمِنِينَ** «... لا يَسْخَرُ قَوْمٌ مِنْ قَوْمٍ» است... ”و به همین جهت در سوره حجرات آیه حجرات، 11) فرمود هر کس مؤمنان را مسخره کند یا با القاب زشت از آنها یاد کند در زمره (ستم کاران محسوب می شود.
- **الَّذِينَ يَلْمِزُونَ الْمُطَّوِّعِينَ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ فِي الصَّدَقَاتِ** وَ: و در جای دیگر می فرماید **الَّذِينَ لَا يَجِدُونَ إِلَّا جُهْدَهُمْ فَيَسْخَرُونَ مِنْهُمْ سَخِرَ اللَّهُ مِنْهُمْ وَلَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ؛** (9: 79) آنان که از مؤمنان متعبد و متعهد به خاطر صدقاتی که در راه خدا می دهند انتقاد و عیب جویی می کنند و نیز افراد بی بضاعتی را که حداکثر توانشان را در طبق اخلاص نهاده اند به مسخره می گیرند، خداوند نیز آنها را مسخره خواهد کرد و برای آنان عذابی دردناک ”در پیش است
- همچنین در احادیث اسلامی آمده است که احترام به مؤمن احترام به خدا است و اهانت و تحقیر مؤمن اهانت به ذات اقدس الهی و موجب خشم خداوند سبحان است و در حدیث قدسی آمده است: خداوند به کسانی که مؤمنان را بیازارند اعلان جنگ می دهد
- **قال الله عزّ وجلّ: لِيَأْذَنَ بِحَرْبٍ مِنِّي، مَنْ أَدَلَّ** “: عن أبي عبد الله - عليه السلام - قال از امام صادق - عليه **”عَبْدِي الْمُؤْمِنَ وَ لِيَأْمَنَ مِنْ غَضَبِي مَنْ أَكْرَمَ عَبْدِي الْمُؤْمِنَ** السلام - آمده است که خداوند عزّ و جلّ فرمود: “کسی که بنده مؤمن مرا خوار شمارد باید

بداند که خداوند با او در جنگ است و کسی که بنده مؤمن مرا تعظیم و تکریم کند بی شک
”از غضب من در امان است

- ؛ کسی که **...من اذلّ مؤمنا اذله الله و**: رسول خدا - صلی الله علیه و آله و سلم - فرمود
- ”مؤمنی را خوار شمارد خدا او را ذلیل خواهد کرد

- **من حقر مؤمنا لقله ماله حقره الله فلم يزل عند الله**: امام صادق - علیه السلام - فرمود
- ”...محقورا حتی يتوب مما صنع

- کسی که به خاطر فقر و تهیدستی مؤمنی را کوچک شمرد خداوند او را کوچک می شمارد و
- ”...همیشه در نزد خدا خوار و زبون است تا آنکه از کردارش توبه کند

حرمت مؤمن از حرمت کعبه بیشتر است

- (...اذا استولى الصلاح على الزمان و اهله) ابن ابی الحدید در شرح این جمله از نهج البلاغه
- :روایتی را از رسول خدا - صلی الله علیه و آله و سلم - چنین نقل می کند

- نظر رسول الله - صلی الله علیه و آله و سلم - إلى الكعبة : و الخبر ما رواه جابر قال “

مرحبا بك من بيت ما اعظمك و أعظم حرمتك و الله انّ المؤمن أعظم
حرمة منك عند الله عزّ و جلّ، لأنّ الله حرّم منك واحدة و من المؤمن ثلاثة:
...دمه و ماله و أن يظنّ به ظنّ السوء

- جابر روایت کرده است که رسول خدا - صلی الله علیه و آله و سلم - به کعبه نظر افکند و
- فرمود: آفرین بر تو، خانه ای که چقدر بزرگی و احترام تو چقدر زیاد است سوگند به خدا،
- احترام مؤمن نزد خدا از تو بیشتر است، زیرا حرمت تو فقط از یک جهت است (که خونریزی
- :در تو حرام است)، ولی مؤمن از سه جهت احترام دارد

- خون وی محترم است. 1.

- مال او حرمت دارد. 2.

- ”بدگمانی نسبت به او حرام است. 3.

تذکر

- آنچه بیش از هر چیز در پیشگاه خدای متعال اهمیت و ارزش دارد تقوا است و سایر امور از قبیل پول، جاه، مقام، منصب و... دلیل بر عظمت و محبوبیت انسان نیست. از این رو نباید در هیچ مؤمنی به دیده حقارت و پستی نگریست، چرا که ما نمی دانیم اولیای خدا چه کسانی هستند، چون از باطن افراد جز پروردگار هیچ کس آگاه نیست، چنان که حضرت رسول: گرامی اسلام - صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ - نیز در ضمن یکی از سخنان خود فرمود

و کتم ولیه فی خلقه... و لا یزر أن...: إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ کتم ثلاثه فی ثلاثه “
؛. احدکم بأحد من خلق الله فانه لا یدری ای هم ولی الله

- خدای عزّ و جلّ سه چیز را در سه چیز مخفی کرده است:... ولی خود را در میان خلق خویش مخفی داشته است... بنابر این مبدا هیچ یک از شماها احدی از بندگان خدا را کوچک شمرد، ”زیرا نمی داند کدام یک از آنها ولی خدا است

همچنین حضرت علی - علیه السلام - در ضمن حدیثی فرمود

- **إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى أَخْفَى أَرْبَعَةً فِي أَرْبَعَةٍ... وَ أَخْفَى وَلِيَهُ فِي عِبَادِهِ فَلَا تَسْتَصْرِنُ عَبْدًا مِنْ عِبِيدِ اللَّهِ فَرَبِّمَا يَكُونُ وَلِيَهُ وَ أَنْتَ لَا تَعْلَمُ؛**

- خدای تبارک و تعالی چهار چیز را در چهار چیز پنهان نموده است:... ولی خود را در میان بندگان خویش پنهان داشته است. پس به هیچ بنده ای از بندگان خدا با چشم حقارت نگاه ”مکن که شاید همان (کسی که به او بی اعتنا هستی) ولی خدا باشد و تو ندانی

سرانجام بد سخریه و استهزاء

- بی تردید، کسی که به مردم اهانت کند و آنها را مورد تمسخر و استهزاء قرار دهد گناه بزرگی را مرتکب شده و باید در انتظار عواقب سوء و آثار بد آن باشد، زیرا هیچ عملی بدون بازتاب نخواهد بود

- **فَمَنْ يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ خَيْرًا يَرَهُ وَمَنْ يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ شَرًّا يَرَهُ؛ (99: 7 - 8) پس “**
در آن روز هر کس به قدر ذره ای کار نیک کرده آن را خواهد دید و هر کس به قدر ذره ای ”کار زشت مرتکب شده آن را خواهد دید

- از آثار بد هرزه گویی و مسخره کردن دیگران غفلت و بی تفاوتی و از دست دادن احساس مسئولیت است. افرادی که به این بیماری دچار می شوند، به ناچار از ذکر خدا غافل شده و از عبادت پروردگار لذت نمی برند، یعنی در عبادت حضور قلب ندارند و با اکراه و بی میلی با آن روبرو می شوند.
- از قرآن کریم استفاده می شود که یکی از موجبات غفلت و فراموشی از یاد خدا، استهزاء و تحقیر مؤمنان است، زیرا بندگان مؤمن، مظاهر دین و مفاخر شریعت سید مرسلین اند و بی اعتنایی به مقام و منزلت آنان موجب سلب توفیق و باعث تاریکی دل می شود و سرانجام انسان را با دوزخیان گمراه، همراه و همنشین می سازد.
- خداوند متعال در کتابش آن گاه که وخامت حال دوزخیان و کیفیت بازپرسی از آنان را ترسیم و تشریح می کند و به جزع و فزع آنان برای بیرون آمدن و نجات از عذاب دردناک و سوزان دوزخ اشاره و با جمله «... اخْسُئُوا فِيهَا وَلَا تُكَلِّمُونِ»؛ (23: 108) به آنها پاسخ می دهد.
- إِنَّهُ كَانَ فَرِيقٌ مِّنْ عِبَادِي يَقُولُونَ رَبَّنَا آمَنَّا فَاغْفِرْ لَنَا وَارْحَمْنَا “: و سپس می فرماید وَأَنْتَ خَيْرُ الرَّاحِمِينَ فَاتَّخَذْتُمُوهُمْ سَخِرِيَا حَتَّىٰ أَنْسَوْكُمْ ذِكْرِي وَكُنْتُمْ مِنْهُمْ تَضْحَكُونَ إِنِّي جَزَيْتُهُمُ الْيَوْمَ بِمَا صَبَرُوا إِنَّهُمْ هُمُ الْفَائِزُونَ؛ (23: 109 – 111) این شما بودید که وقتی گروهی از بندگان من می گفتند پروردگارا ما ایمان آورده ایم، ما را بیامرز و بر ما ترحم فرما که تو بهترین رحم کنندگانی» « آنها را به باد مسخره گرفتید تا آنجا که مرا بکلی فراموش کرده بودید و تنها کارتان این بود که بر آن خدا پرستان خنده می کردید. اما امروز من به آنان به خاطر صبر و استقامتشان پاداش ”.(نیک) می دهم، که تنها آنان پیروز و رستگارند
- حال که معلوم شد یکی از موجبات غفلت و فراموشی از ذکر خدا استهزای مؤمنان و بی احترامی به آنان است، باید دانست که اگر کسی با همین حال از دنیا برود و توبه نکند زندگی سخت و طاقت فرسایی در انتظار اوست و در روز قیامت کور و نابینا وارد محشر شده و :مشمول رحمت الهی واقع نخواهد شد، چنان که می فرماید

- وَمَنْ أَعْرَضَ عَنْ ذِكْرِي فَإِنَّ لَهُ مَعِيشَةً ضَنْكًا وَنَحْشُرُهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ أَعْمَى قَالَ رَبِّ لِمَ حَشَرْتَنِي أَعْمَى وَقَدْ كُنْتُ بَصِيرًا قَالَ كَذَلِكَ أَتَتْكَ آيَاتُنَا فَنَسِيتَهَا وَكَذَلِكَ الْيَوْمَ تُنْسَى (20: 124 – 126)

- هر کس از یاد من روی گرداند برای او زندگی سخت و تنگی خواهد بود و روز قیامت او را نابینا محسوس می کنیم. او می پرسد: پروردگارا چرا مرا نابینا محسوس کردی با این که من در دنیا بینا بودم؟ خدا در پاسخ می گوید: این به خاطر آن است که آیات ما به تو رسید ولی تو آنها را بکلی فراموش کردی و به کیفر آن امروز تو فراموش خواهی شد (ما تو را فراموش می کنیم).

• فردا نوبت مؤمنان است

- قرآن کریم در جای دیگر می فرماید: “کسانی که در دنیا افراد با ایمان را مسخره می کنند و با خنده های تمسخر آمیز و تحقیر کننده از کنارشان می گذرند و با اشاره های چشم و ابرو آنان را به مسخره می گیرند و از این کار (زشت) خود اظهار سرور و خوشحالی نموده و به آن مباحثات می کنند و... باید بدانند که فردا نوبت مؤمنان است که بر آنها بخندند.” اینک متن آیات:

- (إِنَّ الَّذِينَ اجْرَمُوا كَانُوا مِنَ الَّذِينَ آمَنُوا يَضْحَكُونَ) (83: 29) “
- ”مجرمان و بد کاران همیشه در دنیا به مؤمنان می خندیدند
- (وَإِذَا مَرُّوا بِهِمْ يَتَغَامَزُونَ) (83: 30) “
- ”و هنگامی که از کنار مؤمنان می گذرند با اشاره های چشم و ابرو آنها را مسخره می کنند
- (وَإِذَا انْقَلَبُوا إِلَى أَهْلِهِمْ انْقَلَبُوا فَكِهِينَ) (83: 31) “
- ”و هنگامی که به سوی خانواده خود باز می گردند مسرور و خندانند
- (وَإِذَا رَأَوْهُمْ قَالُوا إِنَّ هَؤُلَاءِ لَضَالُّونَ) (83: 32) “
- ”و هنگامی که آنها را (مؤمنان را) می دیدند می گفتند این ها گمراهانند
- (وَمَا أَرْسَلْنَا عَلَيْهِمْ حَافِظِينَ) (83: 33) در حالی که آنها هرگز مأمور مراقبت و متکفل آنان “
- ”(مؤمنان) نبودند

- **فَالْيَوْمَ الَّذِينَ آمَنُوا مِنَ الْكُفَّارِ يَضْحَكُونَ؛ (83: 34)** ولی امروز مؤمنان به کافران می خندند “

- **عَلَى الْأَرَائِكِ يَنْظُرُونَ؛ (83: 35)** در حالی که بر تخت های مزین بهشتی نشسته اند و نگاه “ می کنند

• سپس به عنوان طعن و تمسخر گفته می شود

- **”هَلْ ثُوِّبَ الْكُفَّارُ مَا كَانُوا يَفْعَلُونَ؛ (83: 36)** آیا کافران پاداش اعمالشان را گرفتند؟ “
- خلاصه این که سخریه و استهزاء نوعی عیب جویی است و سزاوار نیست انسان برای این که عده ای را بخنداند مرتکب این گناه شود و دیگران را تحقیر کند و کسانی که مردم را مسخره می کنند به خود مغرورند و همین غرور و خودبینی آنان سبب می شود که افراد مؤمن و متدین را به چشم حقارت بنگرند و در نتیجه برای خود عذابی سخت و دردناک آماده کنند که نمونه ای از آن در آیات فوق از نظرتان گذشت

- امام رضا (ع) از پیامبر (ص) نقل می کنند: آن گاه که بدون حق مومنی را برنجاند ، مانند این است که خانه کعبه و بیت المعمور را ده بار ویران کرده باشد و مثل این است که هزار ملک از ملائکه مقرب الهی را به قتل رسانده باشد.

• زیان های سوء سخریه از نظر روایات

- در روایات معصومین علیهم السلام نیز از کسانی که مؤمنان را تحقیر و تمسخر می کنند به شدت نکوهش شده است. در این مورد به چند حدیث اکتفا می شود

• **یاوه سرایی و خسران ابدی**

- معصوم - علیه السلام می فرماید: “کسانی که از راه غیبت، تهمت، اهانت و تحقیر مردم، “ دیگران را می خندانند باید بدانند که در روز قیامت از خاسران و زیانکارانند

• “:امام صادق - علیه السلام - فرمود

- **كان بالمدينة رجل بطال يضحك الناس منه فقال قد أعياني هذا الرجل أن أضحكه (يعني علي بن الحسين) قال: فمرّ علي - عليه السلام - و خلفه موليان له قال: فجاء الرجل حتّى انتزع ردائه من رقبته، ثمّ مضى، فلم يلتفت إليه علي - عليه السلام - فاتّبعوه و أخذوا الرداء منه فجاءوا به**

فطرحوه عليه، فقال لهم، من هذا؟ فقالوا: هذا رجل بطّال يضحك أهل المدينة فقال: قولوا له إنّ

لله يومًا يخسر فيه المبتلون؛ در شهر مدینه مردی پست و فرومایه بود که کار او فقط هرزه گویی و خنداندن مردم بود. یک روز گفت که این مرد (یعنی علی بن الحسین) مرا عاجز کرده است زیرا تا کنون نتوانسته ام او را بخندانم. (منتظر فرصتی بود) تا این که روزی امام سجاد - علیه السلام - به همراه دو تن از خدمت گزاران خود می گذشت. او نیز (فرصتی به دست آورد) و عبای آن حضرت را از دوش مبارکش کشید و رفت.

- امام هیچ گونه اعتنایی به او نکرد. کسانی که آنجا بودند رفتند و ردای امام سجاد - علیه السلام - را از او گرفته و بر دوش مبارک آن بزرگوار انداختند

- امام - علیه السلام - پرسید: این شخص که بود؟ گفتند: او مرد هرزه گو و خوشمزه ای است که مردم مدینه را می خنداند. فرمود: به او بگوئید خدا را روزی است که در آن روز یاره ”سرایان زیان کار خواهند شد

- به هر حال، تردیدی نیست که این گونه افراد در روز قیامت گرفتار انواع عذاب و شکنجه خواهند شد و همان گونه که در دنیا مؤمنان را مسخره می کردند و می خندیدند اهل ایمان نیز در روز قیامت بر آنها می خندند

• پیامبر اکرم - صلی الله علیه و آله و سلم - فرمود

- إنّ المستهزئين بالنّاس يفتح لأحدهم باب من الجنّة فيقال هلمّ هلمّ فيجىء بكربه و غمّه فاذا أناه اغلق دونه ثمّ يفتح له باب اخر فيقال هلمّ هلمّ فيجىء بكربه و غمّه فاذا أناه اغلق دونه فما يزال كذلك حتّى إنّ الرّجل ليفتح له الباب فيقال له هلمّ هلمّ فلا يأتيه؛
- در روز قیامت کسانی را که در دنیا مردم را مسخره می کردند و دری از بهشت به روی آنان می گشایند و به آنها می گویند بیایید بیایید. آنها با آن همه سختی و ناراحتی به پیش می آیند و همین که نزدیک در می رسند در به روی آنها بسته می شود. سپس در دیگری به روی آنها باز می شود و گفته می شود شتاب کنید شتاب کنید. این بار نیز آنها با ناراحتی حرکت می کنند و همین که نزدیک این در می روند آن نیز بسته می شود و همین

طور این کار تکرار می شود تا جایی که نا امید می شوند و سر انجام دیگر به سوی هیچ دری
”نمی روند. در اینجا مؤمنان که ساکنان بهشت اند به آنها نظاره می کنند به آنان می خندند

• نتیجه بحث

- با توجه به مطالبی که گفته شد افراد متعهد و مؤمن باید از این رفتار زشت و ناپسند از دو
جهت دوری جویند

• آن که هرزگی و مسخرگی بالطبع زشت است - 1

• آن که موجب گناه کبیره دیگر (یعنی غیبت) نیز می شود - 2

- پروردگارا ما را از لغزش ها محفوظ دار. در قرآن کریم پنج معیار برای فضیلت و برتری میان
افراد بشر ذکر شده است که عبارت است از

- (حجرات - 13): بهترین شما با («...انَّ اَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ اتَّقِيكُمْ» :الف. تقوا که فرمود
...تقواترین شما است

- ب. عقل و تعقل (بکارگیری عقل) که خمیر مایه سایر ارزش ها است و آیات فراوانی از قرآن
کریم بر آن گواهی می دهد

- لا يَسْتَوِي الْقَاعِدُونَ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ غَيْرُ « :ج. جهاد در راه خدا، چنانکه می فرماید
أُولَى الضَّرَرِ وَالْمُجَاهِدُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنْفُسِهِمْ فَضَّلَ اللَّهُ الْمُجَاهِدِينَ
بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنْفُسِهِمْ عَلَى الْقَاعِدِينَ دَرَجَةً وَكَلَّا وَعَدَ اللَّهُ الْحُسْنَى وَفَضَّلَ اللَّهُ
(نساء - 95) «الْمُجَاهِدِينَ عَلَى الْقَاعِدِينَ أَجْرًا عَظِيمًا

- افراد با ایمانی که بدون بیماری و ناراحتی از جهاد باز نشستند با مجاهدانی که در راه خدا با
مال و جان خود جهاد کردند یکسان نیستند. خداوند مجاهدانی را که با مال و جان خود جهاد
کردند بر قاعدان برتری بخشیده و به هر یک از این دو دسته (به نسبت اعمال نیکشان)
خداوند وعده پاداش نیک داده و مجاهدان را بر قاعدان برتری و پاداش عظیمی بخشیده
است.

• د. ایمان

- ه. علم و دانش. علم و ایمان دو معیار اساسی و دو رکن شجره طیبه فضیلت و انسانیت است

قرآن کریم در این باره می فرماید •

- (مجادله - 11) «...يَرْفَعِ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَالَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ دَرَجَاتٍ...»
-خداوند به آنها که ایمان آورده و بهره ای از علم دارند درجات بزرگی ارزانی می دارد ...
- ولی باید دانست که در میان تمام ارزش ها تقوا از همه بالاتر است بلکه تقوا اساس و پایه تمام ارزش ها است زیرا بدون داشتن تقوا نه علم کارساز است و نه جهاد راهگشا و نه عقل راهنما و نه ایمان می تواند انسان را به سر منزل مقصود برساند. در زمینه تقوا است که عقل حقایق را درک می کند و علم حلال مشکلات می شود. این همه تعریف و تشویق و ستایش از علم مشروط به آن است که هدف از تعلیم و تعلّم شناخت حقیقت و آگاهی به مسئولیت و خدمت به بندگان خدا و تحصیل خشنودی پروردگار متعال باشد، و گر نه نتیجه علم همان خواهد شد که مولوی می گوید

- بد گهر را علم و فن آموختن دادن تیغ است دست راهن
- تیغ دادن در کف زنگی مست به که آید علم ناکس را به دست
- علم و مال و منصب و جاه و قران فتنه آمد در کف بد گوهرا (مثنوی، دفتر چهارم، ص 693.)

مسخره کردن:

نکوهش مسخره کردن دیگران و سوء ظن به دیگران در قرآن و حدیث

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا يَسْخَرْ قَوْمٌ مِنْ قَوْمٍ عَسَىٰ أَنْ يَكُونُوا خَيْرًا مِنْهُمْ وَلَا نِسَاءٌ مِنْ نِسَاءٍ عَسَىٰ أَنْ يَكُنَّ خَيْرًا مِنْهُنَّ وَلَا تَلْمِزُوا أَنْفُسَكُمْ وَلَا تَنَابَزُوا بِالْأَلْقَابِ بِئْسَ الْأَسْمُ الْفُسُوقُ بَعْدَ الْإِيمَانِ وَمَنْ لَمْ يَتُبْ فَأُولَٰئِكَ هُمُ الظَّالِمُونَ» (11) يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اجْتَنِبُوا كَثِيرًا مِّنَ الظَّنِّ إِنَّ بَعْضَ الظَّنِّ إِثْمٌ وَلَا تَجَسَّسُوا وَلَا يَغْتَبَ بَعْضُكُم بَعْضًا أَيُحِبُّ أَحَدُكُمْ أَنْ يَأْكُلَ لَحْمَ أَخِيهِ مَيْتًا فَكَرِهْتُمُوهُ وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ تَوَّابٌ رَّحِيمٌ» (1).

ای مؤمنین! هیچوقت همدیگر را مسخره نکنید و عیب هم را برملا ننمایید و لقب بد به هم ندهید و همدیگر به القاب زشت صدا نکنید .

ای مؤمنین! از سوء ظن به هم و بدگمانی به یکدیگر دست بردارید و به دنبال برملا کردن عیبهای هم نباشید و غیبت همدیگر را نکنید آیا یکی از شما دوست دارد گوشت برادر مرده/ش را بخورد یقیناً بدتان می آید پس تقوا پیشه کنید که حقیقتاً خداوند توبه پذیر و مهربان است. .

در این دوآیه به بیماریهای روحی که بعضی دچارند و باعث اختلال در جامعه مسلمین و ایجاد دشمنی بین مسلمانان می شود اشاره کرده است . بیماری مسخره کرده دیگران، مرض خطاب کردن دیگران به نامهای زشت، بیماری سوء ظن و مرض عیججویی و غیبت .

بسیاری از دشمنی هایی که بین افراد ایجاد میشود به دلیل گناهان فوق است . وقتی شخصی یا گروهی را مسخره کردند باعث عکس العمل طرف مقابل می شود . اگر دیگران رابه نامهای زشت، صدا زدند باعث ناراحتی افراد و ایجاد دشمنی می شود . اگر به کارهای دیگران با عینک تیره بدگمانی نگاه کنند، دشمنانشان فراوان و دوستانشان کم می شوند . و اگر بدنبال بردن آبروی دیگران از راه غیبت و فاش کردن عیوب آنها باشند، برادری و صمیمیت و مهربانی رخت بر بسته و جای آن، نفاق و دشمنی و تفرقه حاصل می شود .

مسخره کردن دیگران

از گناهان زبان، مسخره و استهزاء دیگران است . مسخره کردن از این جهت ناپسند است

که باعث توهین به دیگران می شود .

ریشه های مسخرگی

1 - دشمنی و کینه

2 - تکبر

3 - تحقیر کردن

4 - شوخی و مزاح

5 - سفاهت و نادانی

علی علیه السلام : مسخرگی، تفریح سفیهان و کار نادانان است

6 - حقارت نفس و خود کم بینی

امام صادق علیه السلام : ذلیل ترین مردم شخصی است که به مردم توهین می نماید.⁽¹⁾

گاهی مسخره کردن در مورد مسایل اعتقادی است . همانطور که عده ای از اقوام گذشته، پیامبران خدا را مسخره می کردند .

گاهی مسخره کردن در مورد مسایل مالی است . مانند مسخره کردن بعضی از مردان و زنان پولدار، فقیران و افراد بی بضاعت را .

پیامبر صلی الله علیه و آله : کسی که مؤمنی را ذلیل کند و یا بخاطر فقرش او را تحقیر نماید، خداوند سبحان او را در کنار پل جهنم رسوا می سازد .⁽²⁾

سوء ظن

انسان در روابط خانوادگی و اجتماعی باید دارای حُسن ظن باشد .

حُسن ظن به پیشرفت کارها و ایجاد محبت بین خانواده و جامعه کمک می کند .

ولی سوء ظن باعث از بین رفتن روابط سالم اجتماعی می شود .

معنای سوء ظن آن است که کارها و اعمال دیگران را بر علیه خود حمل کنیم . و یا دیگران را بدون علم و یقین، متهم نمائیم .

1 . خوبی ها و بدی ها - معانی الاخبار/196

2 . خوبی ها و بدی ها - مسند امام رضاع 261/1

(582)

«ای مؤمنین ! از بسیاری از گمانها دوری کنید که بعضی از گمانها گناه است»

«پیامبر صلی الله علیه و آله : خداوند سبحانه سؤء ظن به مؤمن را حرام کرده است.»⁽¹⁾

هر چه دایره سوء ظن وسیع تر باشد گناه و فسادش بیشتر است . سوء ظن در مسائل سیاسی باعث خرابی کشور و مملکتی می شود .

سوء ظن در مسائل کاری و شغلی مشکلات زیادی ایجاد می کند .

سوء ظن در مسائل خانوادگی به اختلافات خانوادگی منجر می شود .

و خلاصه سوء ظن در موارد مختلف باعث ضرر و زیانهای می شود .

«نقل شده که: شخصی سگ باوفائی داشت . . روزی کودک در گهواره اش را با سگ تنها گذاشت و از خانه اش خارج شد . وقتی به منزل برگشت، سگ درحالی که پوزه اش خونی بود، باستقبال صاحبش آمد . مرد خیال کرد که سگ به کودک او آسیبی وارد کرده است . لذا سگ را کشت . اما وقتی وارد منزل شد، کودک را سالم دید و در کنار گهواره ماری مرده ای را مشاهده کرد و فهمید که مار قصد آسیب رساندن به کودک را داشته ولی سگ باوفامانع شده و با او زد و خورد نموده است .

مرد آنچنان پشیمان شد که تا سه روز بر بالین سگ مرده اشک می ریخت و اظهار پشیمانی می کرد .»

سوء ظن دشمنان خیالی انسان را زیاد می کند . افراد دارای سوء ظن دارای اضطراب بوده و کمتر در آرامش می باشند .

مثلاً زنانی که به شوهران خود سوء ظن دارند اکثر اوقات فکرشان نا آرام بوده لذا دچار بیماریهای روحی می شوند . همچنین مردانی که بدون جهت نسبت به همسرشان سوء ظن دارند، دچار ناراحتی اعصاب می شوند و آرامش خود را از دست می دهند .

«امام صادق علیه السلام : کسی که بخاطر مشکلات مالی ازدواج نمی کند، به خدا سوء ظن دارد . زیرا خداوند سبحان وعده داده است که رزق بند گانم را می دهم.»⁽²⁾

درمان سوء ظن

(583)

بهترین درمان، حمل کردن کارهای دیگران بر خوبی است. تا انسان یقین به بدبودن حرکتی نکرده آنرا بر خوبی و خیر حمل نماید.

همچنین فاصله گرفتن از افراد دارای سوءظن نیز به مداوای این درد کمک می کند.

سوءظن در آئینه روایات

«علی علیه السلام: بین حق و باطل چهارانگشت فاصله است. پس آنچه را باگوش شنیدی چنانچه باچشم هم دیدی راست و حق است.»⁽¹⁾

«اعمال برادرت را تا دلیلی برخلافش نیافتی، بر نیکوترین وجه حمل نما. و تا زمانی که می توانی سخن مؤمن را بر خوب حمل کنی، هرگز نسبت به سخن مؤمن گمان بد مبر.»⁽²⁾

«امام صادق علیه السلام: اصل حُسن ظن از سالم بودن ایمان و سالم بودن دل است که هر که را می بیند پاک و خوب می پندارد و احتمال حیاء و امانت و صیانت و راستی به او می دهد.»⁽³⁾

«پیامبر صلی الله علیه و آله: به برادرانتان گمان خوب داشته باشید تا دچار صفای دل و پاکی طبع گردید.»⁽⁴⁾

یک نکته

سوء ظن در مأمورین اطلاعات و در مورد روابط خارجی با کشورهای دیگر و در مسائل نظامی باید باشد و نه تنها اشکال ندارد بلکه لازم واجب و ضروری است. آن که اشکال دارد سوء ظن در داخل جامعه کوچک یا بزرگ مسلمانان است که به وحدت، صمیمیت و پیشرفت و... ضررها وارد می کند.

1. میزان الحکمة - بحار الانوار 88/10

2. تفسیر نمونه 183/22

3. میزان الحکمة - مصباح الشریعة 173

4. تفسیر من هدی القرآن 418/13

نکوهش سخن بدون عمل در قرآن و حدیث

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لِمَ تَقُولُونَ مَا لَا تَفْعَلُونَ» (2) كَبُرَ مَقْتًا عِنْدَ اللَّهِ أَنْ تَقُولُوا مَا لَا تَفْعَلُونَ» (3)»⁽¹⁾

ای مؤمنین! حرفهایی که به آن عمل نمی کنید نزنید! که خدا از این حرف شما خشمناک می شود.

بعضی از مسلمانان قولهایی می دهند و حرفهایی می زنند و در مرحله عمل، درجا زده و بقولشان عمل نمی کنند. مثلاً عده ای از مسلمانان در صدر اسلام، می گفتند اگر دوباره جنگی در بگردد فرار نمی کنیم! ولی در جنگ بعدی باز فرار نمودند.

یا قبل از آمدن حکم جهاد، عده‌ای گفتند اگر بدانیم بهترین عمل چیست آنرا انجام می‌دهیم! وقتی حکم جهاد نازل شد و خداوند سبحان فرمود که بهترین عمل، ایمان خالص و جهاد است، به قولشان عمل نکردند و از شرکت در جهاد شانه خالی نمودند.

و این یک مشکل بزرگ برای عده‌ای از افراد است که ادعاهایی کرده ولی اعتمادی به آنها نیست زیرا احتمال عمل نکردن به حرفشان است. در حالی که باید قول و عمل باهم انطباق داشته باشد.

زنی کودکش را نزد پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله آورد تا حضرت او را از خوردن خرما که برایش مضر بود بازدارد ولی پیامبر به روز دیگر محوّل کرد و روز بعد کودک را از خوردن نهی فرمود و گفت دیروز نگفتم زیرا خود خرما خورده بودم و کسی که خود خرما خورده چگونه می‌خواهد دیگران را از خوردن آن نهی کند؟

این داستان درباره اهمیت انطباق قول با عمل است.

یا پزشکانی هستند که خود سیگار می‌کشند ولی بیماران خود را از کشیدن سیگار نهی می‌نمایند؟

یا عالمانی که مردم را به دوری از دنیا دعوت می‌کنند ولی خدای نکرده خود یا منسوبین به آنها دنیاطلب هستند.

گویند شخصی کنار جالیز خیاری ایستاده بود و مردم را از خوردن خیار مردم نهی می‌کرد ولی خود می‌خورد از او پرسیدند چرا خودت می‌خوری؟ گفت من برای خنک

بودنش می خورم نه برای حرام بودنش !

همچنین نقل شده مردی به یک نفر روحانی گفت زنم نماز نمی خواند ! روحانی گفت او را به بهشت بشارت بده شاید بخواند ! گفت بشارت دادم ولی نمی خواند . روحانی گفت او را از جهنم بترسان ! گفت ترساندم ولی نمی خواند . روحانی گفت حرفش چیست ؟ گفت می گوید اول خودت بخوان تا من هم بخوانم ! روحانی گفت راست می گوید !.

عمل نکردن به نذرهای نیز مصداق این آیه می باشد .

* * *

در روایات، عالم بدون عمل به درخت بدون فایده و میوه تشبیه شده است . و معمولاً مردم از آدمی که به حرفش عمل نمی کند بدشان می آید . پس آدمی که سر حرفش نمی ماند و به سخنی که می گوید عمل نمی کند، هم مبعوض خالق است و هم مبعوض مخلوق .

مراد از عمل کردن به سخن، سخن درستی است که می گوید نه سخنان نادرست و بی پایه که اصلاً نباید به آنها عمل کند .

(586)

از گناهان زبان فاش کردن سرّ است در حالی که حفظ اسرار دیگران از خصوصیات خوب است . در سخنان بزرگان دین، از اسرار مؤمن به عورت تعبیر شده است . یعنی همانطور که حفظ عورت از نگاه دیگران واجب و لازم است، حفظ اسرار مؤمن نیز لازم می باشد .

انواع اسرار

1 - اسرار خانوادگی

2 - اسرار نظامی

3 - اسرار اقتصادی

4 - اسرار علمی

5 - اسرار سیاسی

6 - اسرار مذهبی و دینی

7 - اسرار فرهنگی

رازها و اسرار نظامی و سیاسی از بقیه مهم تر بوده و گاهی افشاء آنان باعث از بین رفتن جان صدها نفر و شکست حکومتی خواهد شد . لذا در این موارد جرم افشاء کننده بسیار بزرگ است .

«در یکی از جنگهای صدر اسلام، وقتی که سپاه اسلام برای یورش به مشرکین مکه آماده می شد و رسول خدا دستور داده بود تا خبر این حمله محرمانه بماند، یکی از مسلمانان خبر این حمله را به ابوسفیان اطلاع داد . در این مورد این آیه نازل شد:

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَخُونُوا اللَّهَ وَالرَّسُولَ وَتَخُونُوا أَمَانَتِكُمْ وَأَنْتُمْ تَعْلَمُونَ»⁽¹⁾ 27

«ای مؤمنین ! به خدا و رسول و پیمانهایتان خیانت ننمائید !»⁽¹⁾

«امام صادق علیه السلام فرمود: کسی که اسرار ما را فاش کند، گویا ما را به قتل رسانده است»⁽²⁾

1. سوره انفال، آیه 27.

2. میزان الحکمه - الکافی 371/2

(587)

«امام صادق علیه السلام در تفسیر آیه «پیامبران را به ناحق می کشند» فرمود: بخدا سوگند! پیامبران را با شمشیر نکشتند، بلکه اسرار آنان را فاش کردند و آنها کشته شدند.»⁽¹⁾

بعضی از حافظین اسرار

«وقتی قیس بن مسهر، سفیر امام حسین علیه السلام به نزد مردم کوفه، توسط مأمورین دشمن محاصره شد، نامه امام را پاره کرد و خورد. وقتی او را دستگیر کردند، برای اینکه اسرار امام را فاش کند او را شکنجه کردند ولی او لب به سخن نگشود و عاقبت او را بشهادت رساندند.»

در دوران قبل از انقلاب وقتی که ساواک افراد انقلابی را دستگیر می کرد عده زیادی از آنها هرگز لب به کشف اسرار مبارزان نمی کردند.

در دفاع مقدس نیز وقتی رزمنده ای اسیر می شد هرچه بوسیله صدامیان شکنجه می شد حاضر به گفتن اسرار نظامی برای آنان نمی شد. و عده ای به خاطر این استقامت، به شهادت رسیدند.

غیبت کردن:

غیب حرام است با ادله اربعه. که قرآن می فرماید {ولا یغتب بعضکم بعضا یحب احدکم ان یاکل لحم اخیه میتا} که مومن را مانند برادر و آبرویش را مانند گوشتش و تهمت به او را مانند خوردن گوشتش و اینکه او خبر ندارد را بمنزله موتش قرار داده است.

-ایات دیگر در باره غیبت یکی ایه همزه اول. یکی ایه نساء 148 و ایه 19 نور است.

اما روایات: فراوان است از جمله: حدیث نبوی که غیبت از زنا شدیدتر است. و اینکه بعد زنا میشود توبه کرد ولی بعد غیبت تا زمانی که غیبت شده حلال نکند غیبت کننده توبه اش قبول نمیشود. و حدیث نبوی که ربا گنااهش 36 زنا با مادر خودش است و آبروی مومن را بردن از ربا بدتر است. و حدیث نبوی که اگر غیبت کمند تا چهل روز نماز و روزه اش قبول نمیشود مگر غیبت شده حلالش کند. و حدیث نبوی که اگر غیبت مومنی کند به عیبی که در اوست خدا بین غیبت شده با غیبت کننده در بهشت جمع نمیکند و اگر در عیبی که در او نیست غیبتش را کند عصمت بین آن دو پاره شده و غیبت کننده خالد در آتش جهنم خواهد ماند. و حدیث نبوی که دروغ گفته کسی که بگوید حلال زاده ام ولی گوشت مردم را با غیبت بخورد. پس از غیبت دوری کن که آن خورشت سگهای جهنم است. (مکاسب حرمه)

-و عنه صلى الله عليه و اله و سلم: من مشى فى غيبه اخيه....

باز در حدیث نبوی است که اگر انسان قدم بر می دارد تا غیبت برادرش را بکند اولین قدمش در جهنم است. و باز حدیث نبوی است که غیبت کننده اگر توبه کند آخرین فردی است که وارد بهشت می شود و اگر توبه نکند اولین فردی است که وارد جهنم می شود. و از امام معصوم روایت شده که: غیبت بر هر مسلمانی حرام است. و غیبت حسنات را میخورد همانطور که آتش هیزم را میخورد. می توان گفت خوردن حسنات یا بصورت نابود شدن آن است یا ثواب در جنب عقاب مضمحل می شود یا ثوابها به غیبت شده منتقل می گردد که در چند روایت این گونه آمده از جمله: شخصی در قیامت می بیند اعمال خویش در نامه عمل نیامده و می گوید این نامه من نیست! جواب داده میشود ثوابهای بخاطر غیبت مردم رفت! دیگری می آید می بیند ثوابهایی که انجام نداده در عملش هست و می گوید خدایا این نامه عمل من نیست! جواب داده میشود ثواب کسی که غیبت تو را کرد را بتو دادیم.

در روایت دیگری پیامبر خدا فرمود: پایین ترین درجه کفر آنست که مطلبی از برادرت در ذهن بسپاری که بعدا با آن آبرویش را ببری! اینها در قیامت مورد لطف خدا نیستند. و امیرمومنان فرمود: کسی که چیزی را که دیده یا شنیده که چیز بدی از شخصی استو مردم خیال کنند این شخص مروت و مردانگی ندارد، آن را بگوید جزو اشاعه کنندگان فحشا است که خدا در سوره نور فرمود اینها عذاب دردناک دارند. { اِنَّ الَّذِیْنَ یُحِبُّوْنَ اَنْ تَشِیْعَ الْفَاحِشَةُ فِی الَّذِیْنَ اٰمَنُوْا لَهُمْ عَذَابٌ اَلِیْمٌ فِی الدُّنْیَا وَ الْاٰخِرَةِ } کسانی که دوست دارند زشتیها در میان مردم با ایمان شیوع یابد، عذاب دردناکی برای آنان در دنیا و آخرت است {نورایه 19}

بیچاره اند کسانی که غیبت میکنند

:از سوی خدا به موسی وحی شد [۱]

. هر غیبت کننده ای که با توبه از دنیا برود، آخرین کسی است که به بهشت وارد می شود [۲]

هر غیبت کننده ای که بر آن اصرار داشته باشد (توبه نکند و غیبت کردن عادت او شده باشد) و با [۳]
این حال از دنیا برود و توبه نکند، اولین کسی است که داخل دوزخ می گردد

: وَ أَوْحَى اللَّهُ إِلَىٰ مُوسَىٰ عَلَيْهِ السَّلَامُ [۴]

مَنْ مَاتَ تَائِبًا عَنِ الْغِيْبَةِ فَهُوَ آخِرُ مَنْ يَدْخُلُ إِلَى الْجَنَّةِ وَمَنْ مَاتَ مُصِرًّا عَلَيْهَا فَهُوَ أَوَّلُ مَنْ يَدْخُلُ النَّارَ

إرشاد القلوب إلى الصواب جلد 1 صفحه 116 [۵]

جالب اینجاست که اگر غیبت کننده توبه کند و خدا هم او را ببخشد باز ننگ غیبت کردن کاملاً از [۶]
بین نمی رود و او از جمله کسانی است که آخرین نفر وارد بهشت می شود،

دروغگویی:

زشتی دروغگویی در قرآن و حدیث

«إِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي مَنْ هُوَ مُسْرِفٌ كَذَّابٌ»⁽¹⁾.

بدرستی که خدا هدایت نمی‌کند کسی که اسراف‌کننده و بسیار دروغگو است .

دروغ گفتن چون خلاف طینت پاک آدمی است و باعث انحراف بسوی بدیها می‌شود بسیار مورد نکوهش و مذمت قرار گرفته است:

در روایت است که پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله فرمود: (إِيَّاكُمْ وَالْكَذِبَ فَإِنَّ الْكَذِبَ فَجْوَر يَهْدِي إِلَى النَّارِ).
بر حذر باشید از دروغ زیرا گناهی است که انسان را به آتش جهنم می‌کشاند .

(و الله يشهد انّ المنافقين لكاذبين). بدرستی که خدا شهادت می‌دهد که منافقین دروغگویند .

انواع دروغ

انواع دروغ بشرح زیر است:

1 - دروغ بر خداوند و پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله و امامان علیه‌السلام که در راس دروغ‌ها قرار دارد
وزشتی آن از همه بیشتر است و این نوع دروغ، روزه را باطل می‌کند و قرآن کریم در این باره فرمود:
«وَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّنْ افْتَرَى عَلَى اللَّهِ كَذِبًا».

چه کسی ظالمتر است از کسی که بر خدا از روی دروغ افترا می‌بندد .

2 - شهادت دروغ: پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله در این باره فرمود:

(شاهد الزور كعابد الوثن). شهادت دهنده دروغ مثل عبادت کننده بت است .⁽²⁾

3 - قسم دروغ: که پیامبر صلی الله علیه و آله می فرماید: یکدسته هستند که روز قیامت خدا با آنان سخن نمی گوید از جمله آنها کسی که سوگند دروغ برای فروش کالا یش می خورد.⁽³⁾

4 - دروغ در وعده:

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: (من كان يؤمن بالله واليوم الآخر فليفِ وعده). کسی که به خدا و روز

1. سوره غافر، آیه 28.

2. خوبی ها و بدی ها - جامع السعادات 255/2

3. خوبی ها و بدی ها - جامع السعادات 255/2

(576)

جزا ایمان دارد باید به وعده اش وفا کند.⁽¹⁾

5 - شوخیهای دروغ

امام حسین علیه السلام فرمود:

(اتقوا الكذب الصغير منه والكبير في كل جدّ وهزل). بپرهیزید از دروغ چه بزرگ آن چه کوچک آن در هر شوخی که باشد.⁽²⁾

نقل کردن و نوشتن و گوش دادن به دروغ که منشاء بسیاری از شایعات همین نقل نمودن دروغ است

شرمنده شدن دروغگو لاف زن

گویند شخصی قبل از ظهر هر روز کنار درخانه خود فرشی پهن کرده و می نشست و قلیان می کشید .

بعضی از عابران نیز بنزد او آمده و با او می نشستند و بخوردن چای و قهوه مشغول می شدند .

آن مرد یکی از روزها در حالی که دست بر سیل خود می کشید گفت دیشب جای شماها خالی بود . عیالم برای ما ته چین پلو پخته بود آنقدر این غذا چرب بود که نتوانستم همه اش را بخورم لذا قدری را گذاشتم برای امروز صبح به عنوان صبحانه خوردم آنقدر این غذا چرب بود که سیل ما را چرب کرده است در این میان یکی از بچه های کوچک منزل دویده و گفت، آقا جان آقا جان ! آن دنبه ای که امروز صبح سیلت را با آن چرب کردی گربه آمد و آنرا برد !!

آثار زشت دروغ

1 - سرچشمه نفاق است .

2 - اساس ایمان را خراب می کند

همانطوری که امام پنجم فرمود: (انّ الکذب هو خراب الایمان). دروغ یعنی نابود کردن ایمان

1 . خوبی ها و بدی ها .

2 . خوبی ها و بدی ها - جامع السعادات 249/2

است.⁽¹⁾

4 - دروغ انسان را به کفر می کشاند .

5 - دروغ باعث بی اعتباری دروغگو است .

علی علیه السلام فرمود: (من عرف بالكذب قلت الثقة به). کسی که معروف به دروغگویی شود اطمینان به او کم می شود.⁽²⁾

ریشه های دروغگویی

1 - احساس حقارت و خود کم بینی

پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: (لا يكذب الكاذب الا من مهانة نفسه). دروغگو دروغ نمی گوید مگر بخاطر آنکه در خود احساس پستی می نماید.⁽³⁾

2 - ترس از جریمه و مجازات .

3 - دورویی و نفاق

قرآن کریم می فرماید: «وَاللّٰهُ يَشْهَدُ اِنَّ الْمُنَافِقِينَ لَكَاذِبُونَ».

بدرستی که خدا شهادت می دهد که منافقین دروغگویند .

4 - فشار زیاد از طرف پدر و مادر به فرزند و از طرف رؤسا و فرماندهان به زیر دستان .

5 - دروغ پدر و مادر و مرییان باعث عادت کودک به دروغ می شود .

6 - شوخی دروغ برای خوشحال کردن دیگران .

امام پنجم علیه السلام درباره دروغ فرمود: خداوند سبحان برای کارهای بد قفلهایی قرار داده که کلید آن قفلها دروغ است و دروغ گفتن از شراب خوردن بدتر است .⁽⁴⁾

امام باقر علیه السلام از رسول خدا صلی الله علیه و آله روایت می کند: (اقل الناس مروءة من كان كاذبا).⁽⁵⁾
کم مروت ترین مردم کسی است که دروغگو باشد .

پیامبر صلی الله علیه و آله در رابطه با سوگند دروغ می فرماید: کسی که به خدا قسم می خورد پس به

1 . خوبی ها و بدی ها - الکافی 339/2

2 . خوبی ها و بدی ها - غررالحکم 220

3 . خوبی ها و بدی ها - مستدرک الوسائل 84/9

4 . خوبی ها و بدی ها - الکافی 339/2

5 . خوبی ها و بدی ها - مستدرک الوسائل 87/9

(578)

اندازه پرپشه ای در آن دروغ وارد کند نقطه سیاهی در قلبش پیدا می شود که تا روز قیامت می ماند .

پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: هر گاه مؤمن بی عذر دروغ گوید هفتاد هزار فرشته به او لعنت نمایند و چون از قبر در آید بدبو بود و بوی او به عرش رسد و حاملان عرش او را لعنت کنند.⁽¹⁾

حضرت عیسی علیه السلام فرمود: کسی که دروغش زیاد شد نورش می رود.⁽²⁾

امام ششم علیه السلام فرمود: بدرستی که دروغگو دروغ می گوید و بخاطر آن خداوند سبحان او را از نماز شب محروم می کند و هر گاه از نماز شب محروم شد رزق حلال بر او حرام می شود.⁽³⁾

علی علیه السلام فرمود: راستی امانت و دروغ خیانت است.⁽⁴⁾

شاعر گوید:

چه از شرک بگذشت کمتر گناه میان کبایر دروغ است آه

مگردان زبانت بگرد دروغ که باشد رخت درد و گیتی سیاه

معمولا کفار و منافقین و مشرکین و دشمنان اسلام راست نمی گویند و اکثر سخنانشان دروغ است. در زمان ما که رسانه های بزرگ دنیا در دست صهیونیستها و ابرقدرتهاست متأسفانه دروغگوترین رسانه های دنیا رسانه های اروپا و آمریکا هستند. در حالی که مردم زیادی را تحت پوشش اخبار خود دارند و اکثر مردم این اخبار را قبول می کنند لذا براحتی بد را خوب و خوب را بد جلوه می دهند. ملت مظلوم فلسطین را در چشم مردم دنیا، خشن وبد و متخلف جلوه می دهند و دولت صهیونیستی را خوب و مظلوم و برحق معرفی می کنند.

یا براحتی حقوق ملت ایران را غیرواقع جلوه می دهند و ظلم آمریکا و اروپا و رژیم صهیونیستی را برحق جلوه می دهند.

سازمان منافقین و بهائی‌ها و وهابی‌ها و سلطنت طلبها و فرقه‌های منحرف و امثال اینها را راستگو و برحق معرفی می‌کنند ولی شیعیان اهل بیت ع و مسلمانان را تروریست معرفی

1. خوبی‌ها و بدی‌ها - جامع الاخبار/148

2. خوبی‌ها و بدی‌ها - الکافی/341/2

3. خوبی‌ها و بدی‌ها - علل الشرایع/362/2

4. خوبی‌ها و بدی‌ها - الخصال/505/2

(579)

می‌کنند.

لذا هیچ کدام از اخبار رسانه‌های غربی درباره ملت ایران و فلسطین و حزب الله لبنان و مظلومین عراق و غیره راست نیست و پر از دروغ است لذا اعتبار ندارند.

عیوب چشم!

چشم چرانی:

چشم چرانی

«قُلْ لِلْمُؤْمِنِينَ يَغُضُّوْا مِنْ أَبْصَارِهِمْ وَيَحْفَظُوا فُرُوجَهُمْ...»

قُلْ لِلْمُؤْمِنَاتِ يَغْضُضْنَ مِنْ أَبْصَارِهِنَّ وَيَحْفَظْنَ فُرُوجَهُنَّ»⁽¹⁾.

خلاصه این دستور این است که زن و مرد نباید به یکدیگر خیره شوند، نباید چشم چرانی کنند، نباید نگاه‌های مملو از شهوت به یکدیگر بدوزند، نباید به قصد لذت بردن به یکدیگر نگاه کنند. خداوند سبحان یک وظیفه خاص هم برای زنان مقرر فرموده است و آن این است که بدن خود را از مردان بیگانه پوشیده دارند و در اجتماع به جلوه گری و دلربایی نپردازند، به هیچ وجه و هیچ صورت و با هیچ شکل و رنگ و بهانه‌ای کاری نکنند که موجبات تحریک مردان بیگانه را فراهم کنند.

چشم انسان از اعضای است که بیشتر گناهان به سبب و وسیله آن انجام می‌شود. و در سخنان بزرگان دین آمده که هر که بتواند چشم خود را کنترل نماید، از بسیاری از گناهان خود را دور نموده است.

یکی از گناهان چشم، چشم چرانی و هیز بودن و نگاههای شهوانی به نامحرم است. چه از طرف مرد نسبت به زن نامحرم و چه از طرف زن نسبت به مرد نامحرم.

«آمده است که جوان عربی در زمان پیامبر صلی الله علیه و آله در کوچه مشاهده کرد که زن جوانی از روبرو می‌آید! این جوان شروع به چشم چرانی به زن نمود بطوری که حواسش پرت شد و متوجه استخوانی که در سوراخ دیوار فرو شده بود، نشد و استخوان به گونه‌اش اصابت کرد و خون جاری شد! جوان با همین حالت نزد پیامبر بعنوان طبیب الهی رفت و ماجرای این حادثه را گفت. حضرت فرمود: همانا نگاه به نامحرم تیری از تیرهای شیطان است»⁽²⁾.

چشم انسان مانند دوربین بسیار قوی فیلمبرداری است که همه صحنه‌ها را علاوه بر نشان دادن به مغز در همان آن، در حافظه ذخیره می‌کند و بسیاری از خوابها و رؤیایها و حتی تصورات آدمی از جهان به همین تصاویر باز می‌گردد.

جوانی که از صبح تا شب چشمش بدنبال زیبارویان در گردش است، اگر در خواب

1. سوره نور، آیه 30.

2. میزان الحکمه 3290/4

(589)

جنب و محتلم شود و خوابهای شیطانی ببیند، طبیعی است. و هرگاه روز با خوبان و صالحان همنشین باشد و توسلات به معصومین علیهم السلام داشته باشد اگر در خواب، امام زمان (عج) و زیارتگاه ببیند، باز طبیعی است.

«روزی حضرت عیسی علیه السلام بایارانش برای دعای طلب باران از شهر خارج شدند. موقع دعا، عیسی علیه السلام گفت: هر که گناهی مرتکب شده برگردد. همه بجز یکنفر باز گشتند. حضرت به او گفت: تو گناهی مرتکب نشده‌ای؟ گفت: خیر بجز اینکه روزی در حال عبادت بودم که زنی از مقابلم عبور کرد و من ناخواسته بتماشای او مشغول شدم. ناگاه بخود آمدم و بخاطر این کار زشتم، چشم خود را در آوردم و بطرفی که زن رفت بود، پرتاپ کردم!

حضرت فرمود: پس تو دعا کن تا من آمین گویم! او دعا کرد و عیسی علیه السلام آمین گفت و باران آمد.»⁽¹⁾

یکی از نشانه‌های پاکی چشم، دور ماندن چشم از نگاههای شهوانی است. لذا وقتی دختر شعیب علیه السلام نزد موسی علیه السلام آمد و گفت: پدرم تورا به خانه دعوت کرده و مرا فرستاده تا تورا

راهنمائی کنم . موسی علیه السلام چند قدمی بدنبال دختر رفت و گفت: ما خاندانی هستیم که پشت سر زن نگاه نمی کنیم . پس من جلو می روم و تو از پشت سر بیا و هر کجا نیاز به راهنمائی شد، با انداختن سنگ علامت بده!⁽²⁾

اگر چشم را کنترل نکنیم، دل را گرفتار کرده ایم و اگر دل گرفتار شد، سر به رسوائیها خواهد زد .

زدست دیده و دل هردو فریاد

هر آنچه دیده بیند دل کند یاد

بسازم خنجری نیش ز فولاد

زنم بردیده تا دل گردد آزاد

«چه بسیار نگاههای کوتاهی که بدبختی های بزرگ و طولانی به ارمغان آورده است . ازدواجهایی که با یک نگاه شروع شده و عاقبت در مدت کوتاهی با یک نگاه دیگر به طلاق کشیده می شود .»

«علی علیه السلام : هر که نگاهش به نامحرمان زیاد باشد، فکرش دائماً مشغول خواهد بود .»

«ای رسول ! به مردان مؤمن بگو چشم خود را بر حرام ببندند و عورت خود را حرام

1 . جوانان و گناهان کبیره .

2 . جوانان و گناهان کبیره - وسائل الشیعه 199/20

حفظ کنند که این مسئله برای پاک بودنشان لازمتراست و به زنهای مؤمنه هم بگو که چشمهای خود را بر حرام ببندند و عورت خود را از حرام حفظ کنند...»⁽¹⁾

«رسول خدا صلی الله علیه و آله : هیچ وسیله برای پاکی باندازه پاک بودن چشم و بستن آن بر روی حرام نیست . که هر که چشم خود را بر حرام بست، خداوند سبحان به دلش توفیق مشاهده عظمت الهی را می دهد»

«رسول خدا صلی الله علیه و آله : هر که چشمش را از حرام پُر کند، خداوند سبحان روز قیامت چشمش را از آتش پر کند، مگر اینکه توبه کند و دیگر عمل حرام را انجام ندهد.»⁽²⁾

«در روایت است که هر که به نامحرمی برخورد و برای رضای الهی، چشم خود را از او برگرفت و دیگر نگاه نکرد، اگر مرد باشد در همان ساعت، حورالعینی باز دو اجش در می آورند (و اگر زن باشد از نعمتهای بهشت برایش ذخیره می کنند) و اگر بر این صفت خوب مداومت کند، خداوند سبحان شیرینی مناجاتش را به او می چشاند و ملکوت خود را بردلش باز می کند.»⁽³⁾

«پیامبر صلی الله علیه و آله : سخت است غضب خدا بر زن شوهرداری که چشمش را از حرام پر کند»⁽⁴⁾

«پیامبر صلی الله علیه و آله : کسی که به عورت دیگری نگاه کند، ملعون است»⁽⁵⁾

«پیامبر صلی الله علیه و آله : اگر از آسمان بیافتم و دونیم شوم برایم بهتر است که به عورت کسی نگاه کنم و یا کسی به عورت من نگاه نماید»⁽⁶⁾

2. جوانان و گناهان کبیره -بحارالانوار 334/73

3. جوانان و گناهان کبیره .

4. جوانان و گناهان کبیره -بحارالانوار 366/73

5. جوانان و گناهان کبیره -بحارالانوار 68/74

6. جوانان و گناهان کبیره .

با گوشه چشم نگاه کردن:

با نگاه ترساندن:

عیوب شکم!

حرام خواری:

یکی از عیوب خیلی مهم که خیلی ها به آن مبتلا هستند حرام خوری است! بعضی مغازه دارها! بعضی بنگاه دارها! بعضی کارمندان! بعضی ماموران! بعضی بانکها و بعضی مسئولین مثل اب خوردن حرام میخورند!

درحالی که حرام خواری گناه انسان را پیامبر گُش! امام گُش! می کند!

چقدر این افراد پست بودند!..... عیدالله بن عباس، فرمانده سپاه امام حسن مجتبی، یک میلیون درهم از معاویه گرفت و سپاه امام برحق، امام حسن مجتبی مظلوم را رها کرد و با هشت هزار سرباز به معاویه پیوست! چقدر این آدم پست بود. بهترین فرد را رها کرد و به بدترین فرد ملحق گشت! همچنین امام حسن علیه السلام گروهی را به فرماندهی فردی از قبیله کَنده به سوی معاویه فرستاد و دستور داد در «انبار»، لشکر بزند و تا فرمان نرسیده، کاری نکند. وقتی معاویه مطلع شد، در نامه ای به او نوشت: اگر نزد من بیایی، فرماندهی بخشی از نواحی شامات یا جزیره را - که قابل تو را ندارد - به تو می سپارم. وی پانصد هزار درهم نقداً فرستاد. او پول را گرفت و با 200 نفر از یاران و خاندانش به معاویه پیوست. امام بعد از آگاهی از این خیانت برخاست و فرمود

هذا الکندی توجّه الی معاویة و غدر بی و بکم و قد اخبرتکم مرّة بعد اخرى أنّه لا وفاء لکم انتم «
عیدالدّّیا...! این کندی است که به سوی معاویه رفت و به من و شما خیانت کرد و من بارها به شما
«...گفتم که وفا ندارید و بندگان دنیا یید

امام شخصی از قبیله مراد را با 4000 نفر فرستاد و از او در حضور مردم خواست خیانت نکند و به خودش هم گفت که به زودی خیانت خواهی کرد. او با سوگندهایی که کوه ها تاب آنها را ندارد، قسم یاد کرد که چنین نمی کند. اما وقتی به انبار رسید، پیک های معاویه آمدند و علاوه بر دادن :وعده ها، پانصد هزار درهم نیز تقدیم کردند. و او هم به پیمان خود وفادار نماند. امام بار دیگر فرمود من بارها به شما گفتم که برای خدا به هیچ پیمانی وفا نمی کنید. اینک، این رفیق شما مرادی است «
»! که به من و شما خیانت کرد و به معاویه پیوست

الخرائج والجرائح، ج 2، ص 574.... لعنت خدا بر این فرماندهان خیانتکار و اربابشان معاویه باد! و این نتیجه پول پرستی است. ادم پول پرست، خدایش سکه و پول است! مواظب باشیم پول پرست نشویم که در اینصورت حاضر میشویم امام زمان خود را به پول بفروشیم!.. انوقت یاران و صحابه امام حسن مظلوم اعتراض می کردند چرا با معاویه صلح کردید؟ آیا کور بودند و نمی دیدند که فرماندهان سپاه به امام مظلوم خیانت کردند؟ آیا نمی دیدند که امام مظلوم یآوری ندارد؟ اینجا بود که ان امام مظلوم او که گوشه جگر زهرای مرضیه بود فرمود: سوگند به خدا! اگر با معاویه بجنگم، اینان (کوفیان و شیعه نماها) مرا کتف بسته تسلیم او می کنند. پس اگر در حال عزّت با او صلح کنم، بهتر است تا در حال اسیری مرا بکشد یا بر من مَنّت نهد و این مَنّت او ننگ بنی هاشم تا پایان روزگاران باشد

احتجاج، ج 2، ص 69. 26..... بابی انت و امی یا امام حسن مجتبی. ای کاش بودیم و یاریت می کردیم.

حضرت علی (علیه السّلام) به چشم درد سختی مبتلا شدند، رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلّم) به عیادت ایشان آمده فرمود: «یا علی چه شده است حضرت عرض کرد هیچ وقت به این شدت دردی عارض من نشده بود.» حضرت خبر وحشتناکی ذکر فرمود که امیرالمؤمنین (علیه السّلام) چشم درد را

فراموش کرد: آن خبر این است: «یا علی! اِنَّ مَلَكَ الْمَوْتِ اِذَا نَزَلَ لِقَبْضِ رُوحِ الْكَافِرِ نَزَلَ مَعَهُ سَفُودٌ مِنْ نَارٍ فَنَزَعَ رُوحَهُ بِهِ فَتَصِيحُ جَهَنَّمَ، فَاسْتَوَى عَلَيَّ (علیه السلام) جَالِساً فَقَالَ (علیه السلام) یا رسول الله (صلی الله علیه و آله و سلم) اَعِدْ عَلَيَّ حَدِيثَكَ فَقَدْ اِنْسَانِي وَجَعِي مَا قُلْتَ، ثُمَّ قَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: هَلْ يُصِيبُ ذَلِكَ احِداً مِنْ اَمَتِكَ قَالَ (صلی الله علیه و آله و سلم) نَعَمْ حَاكِمٌ جَائِرٌ وَ آكِلٌ مَالِ الْيَتِيمِ ظُلماً وَ شَاهِدٌ زوراً؛ [۱۳] به درستی که عزرائیل وقتی که برای گرفتن جان کافری می آید، سیخ هایی از آتش همراه او است، پس با آنها جان او را می گیرد، پس جهنم صیحه می زند، امیرالمؤمنین (علیه السلام) راست شد نشست و عرض کرد: یا رسول الله حدیثی را که فرمودید تکرار فرمائید که درد چشم را فراموش کردم از ترس این خبر! آیا از امت شما هم کسی هست که به این کیفیت معذب شده و بمیرد؟ فرمود: آری، سه طایفه از مسلمانانند که این قسم جان می دهند، حاکم ظلم کننده، خورنده مال یتیم به ناحق،
«شهادت دهنده به دروغ»

عیوب قلب!

خساست:

نکوهش بخل و خساست در قرآن و حدیث

قرآن کریم می‌فرماید:

«وَلَا يَحْسَبَنَّ الَّذِينَ يَبْخُلُونَ بِمَا آتَاهُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ هُوَ خَيْرًا لَّهُمْ بَلْ هُوَ شَرٌّ لَّهُمْ سَيُطَوَّقُونَ مَا بَخِلُوا بِهِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَلِلَّهِ مِيرَاثُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرٌ»⁽¹⁾

گمان نکنند آنانی که نسبت به آنچه خداوند سبحان به آنان از فضلش داده بخل می‌ورزند برایشان این بخیل بودن خیر است بلکه خیر نیست و این شر است برای آنانکه آنچه بخل نموده‌اند روز قیامت برگردشان آویخته می‌شود و برای خداست میراث آسمانها و زمین و خدا به آنچه می‌کنید آگاه است .

نکوهش بخل

بخل به معنای دست بسته بودن و عدم تمایل به استفاده رساندن به برادران و خواهران خود از فضل و نعمت‌های الهی است که به او داده شده است . او نمی‌بخشد و دوست ندارد کسی از ثروت او چیزی بدست آورد و این بخاطر دلبستگی سخت و محکم به مادیات است که در او بصورت بخل جلوه می‌نماید .

پیامبر علیه‌السلام بارها فرمود: (اللَّهُمَّ اِنِّیْ اَعُوْذُبُکَ مِنَ الْبَخْلِ) خدا یا از بخل به تو پناه می‌برم .⁽²⁾

و فرمود: در دل مؤمن دو خصلت جمع نشود: بخل، بدخلقی.⁽³⁾

و فرمود: نزد خداوند، بخیل از ظالم بدتر بود و خداوند سبحان قسم خورده که به عظمت و جلال، بخیل را وارد بهشت ننمایم.⁽⁴⁾

شاعر گوید:

بخور، بپوش، ببخش و بدانکه حاصل عمر خرد ندانست کس کوبه دیگری بگذاشت

آورده‌اند: در شهری مردی بود مالدار ولی بخیل که دست کسی به غذای او نرسیده و شامه روزگار بوی شوربای او نشنیده مصداق این شعر:

1. سوره آل عمران، آیه 180.

2. خوبی‌ها و بدی‌ها - میزان الحکمة 2/2200

3. خوبی‌ها و بدی‌ها - الخصال 1/75

4. خوبی‌ها و بدی‌ها - مکارم الاخلاق 2/63

گر بُرند دست نا پاکش

از بخیلی که هست امساکش

آید از دست ممسکش بیرون !

نیست ممکن که نیم قطره خون

سه پسر داشت چون موقع مرگش رسید خواست امتحان کند کدامیک از پسرانش از جهت بخل از خودش بخیل تر هستند جانشین خود سازد پس پسر بزرگ خود را خواسته گفت تو نان چگونه خوری گفت نان با پنیر خورم گفت برو که بدبختی و تو را از دولت بهره نیست .

پسر دوم را طلبید و گفت نان چگونه خوری گفت نان به پنیر می‌مالم و می‌خورم گفت تو نیز بدبختی و از ساعات حظی نداری .

پسر سوم را خواست و گفت نان چگونه خوری گفت من پنیر را در خیال گذرانیده نان را با پنیر خیالی می‌خورم . گفت تو پسر منی پس کلید اموال خود را به او داد .

سخن حضرت یحیی علیه‌السلام

نقل است که حضرت یحیی علیه‌السلام شیطان را بصورت اصلیش دید ، گفت : ای ابلیس مرا خبر ده که کدام گروه از مردم را دوست می‌داری و کدام دسته را دشمن؟ گفت: دوست‌ترین شخص نزد من مؤمن بخیل است و دشمن‌ترین فرد نزد من فاسق سخاوتمند .

یحیی علیه‌السلام گفت: این چیست که می‌گویی گفت زیرا بخیل بخلش (برای گمراهی) کافی باشد و خداوند سبحان به سخاوت سخاوتمند نظر افکند و او را بیامرزد و بدی فسق او را به او نگیرد و او را ببخشد .⁽¹⁾

پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله فرمود: (اتقوا الشح فانه اهلك من كان قبلکم)

از بخل بپرهیزید زیرا بخل اقوام گذشته را نابود نمود .

آورده‌اند: پادشاهی که به کمال سخاوت بود روزی با یکی از درباریان خود صحبت می‌کرد و به او گفت : مرا آرزوی آنستکه هزار هزار درهم بیک نفر ببخشم او گفت این مقدار بسیار است و برای یک نفر زیاد است گفت اگر نصف دهم چطور است؟ گفت این مقدار نیز زیاد است .

1 . خوبی ها و بدی ها .

پادشاه گفت ای بدبخت من می خواستم این بخشش را به تو نمایم خود را محروم نموده و مرا از سخاوت بازداشتی .

مرد هر چند در هنر کوشد بخل او جمله را فرو پوشد

از لثیمان تیره دل بگریز در کریمان پاک دین آویز

بدترین مرگها

روزی پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله گرد خانه کعبه طواف می نمود . مردی را دید دست بر پرده آویخته می گوید: خدایا تو را به عظمت این خانه سوگند می دهم که گناهم را بیامرزی .

آنجناب فرمود گناهت چیست؟

و عرض کرد بزرگتر از آن است که شرح دهم پرسید گناه تو بزرگتر است یا زمینها؟

جواب داد گناه من بزرگتر است .

سؤال کرد گناه تو بزرگتر از کوهها است؟

پاسخ داد آری ، فرمود از دنیا ها بزرگتر است؟

گفت بلی ، پرسید گناهت بزرگتر است یا آسمانها؟

عرض کرد گناه من ، فرمود از عرش نیز بزرگتر است؟ جواب داد آری ، پرسید گناه تو بزرگتر است یا خدا؟

عرض کرد خدا، از تفصیل گناهش جويا شد گفت : يا رسول الله من مردی ثروتمندم هر گاه مستمندی به من مراجعه می کند به اندازه ای ناراحت می شوم مثل اینکه کسی با آتش گداخته به من روی آورده .

پس پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود دور شو از من که با آتش خود مرا نسوزانی .

به آن خدایی که برای هدایت برانگیخته اگر بین رکن و مقام دو هزار سال نماز بخوانی و آنقدر گریه کنی که از اشک چشمت جویها جاری شود و درختها آبیاری گردد در صورتی که با بخل بمیری خداوند سبحان تو را با سر در آتش خواهد انداخت . و ای بر تو مگر نمی دانی خداوند سبحان در قرآن کریم فرمود: «وَمَنْ يَخْلُ فَإِنَّمَا يَخْلُ عَنْ نَفْسِهِ».

هر گس بخل ورزد از استفاده مالش نسبت به خود جلوگیری کرده است .⁽¹⁾

بخیلتر از بخیل

بخیلی کوفی شنید در بصره مرد بخیلیست که در این صفت کامل است . بطرف بصره رفت تا با مصاحبتی اندازه بخلش را بیازماید . پس از ملاقات گفت من از راه دور به آرزوی همنشینی آمده ام تا شما که در این صفت مشهوری مرا چیزی بیاموزی گفت چون رنج سفر برده ای و از راه دور آمده ای اینک بر ما لازم است تو را میهمانی کنیم . فعلا میل به چه غذایی داری تا تهیه کنم .

مرد کوفی گفت مدتها است که آرزوی پنیر تازه دارم اگر فراهم شود بد نیست که خیلی مشتاقم .

بصری ظرفی برداشته ببازار آمدی برای میهمان تازه وارد پنیر تهیه کند بدکان پنیر فروش مراجعه کرده گفت از کوفه میهمان عزیزی وارده شده و پنیر تازه خواسته مایلم یک درهم پنیر تازه خوب بدهی .

مغازه دار گفت پنیری بدهم که مانند سر شیر باشد . بخیل با خود اندیشید که پس سر شیر بهتر از پنیر است جوانمردی آن است که بهتر را برای مهمان تهیه کنم .

از دکان پنیر فروش خارج شده به سر شیر فروش مراجعه نمود از او نیز سر شیر خوب درخواست نمود .

دکان دار گفت سرشیری برایت بیاورم که صافتر از روغن زیتون باشد . باز گفت معلوم می شود روغن زیتون بهتر از سر شیر است .

به روغن فروش مراجعه نموده و درخواست روغن خوب کرد . فروشنده گفت روغن صافتر از آب زلال دارم . بخیل گفت اینطور که معلوم می شود آب زلال بهتر از روغن زیتون است از روغن فروش جدا شده و گفت در خانه آب زلال خودم دارم . به منزل برگشته ظرف را پر از آب زلال نموده پیش مهمان نهاد گفت تمام بازار بصره را گشتم بهتر از آب زلال چیزی نیافتم . داستان را از اول تا آخر شرح داد . کوفی دست بخیل بصری را بوسیده گفت

1. محمد/38

گواهی می دهم که تو در این فن از من استادتری .⁽¹⁾

پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: بخیل از خدا مردم و بهشت دور بوده و به جهنم نزدیک است و بدترین دردها بخل است .⁽²⁾

1. پند تاریخ .

2. خوبی ها و بدی ها - ارشاد القلوب 1/136

حسادت:

نکوهش حسادت در قرآن و حدیث

«أَمْ يَحْسُدُونَ النَّاسَ عَلَى مَا آتَاهُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ»⁽¹⁾.

آیا حسادت می‌ورزند به مردم برای آنچه که خدا از فضلش به آنان کرامت کرده .

حسادت آفتی است که اگر به کسی برسد او را از درون سوزانده و سپس نابود می‌کند و حسود به کسی گویند که از پیشرفت و ترقی دیگران احساس ناراحتی نموده و آرزو می‌کند که دیگران پیشرفت نداشته و اگر خداوند سبحان به کسی نعمتی عنایت کرده آن نعمت از او گرفته شود .

در احادیث زیادی از حسادت مذمت شده مثل اینکه از علی علیه‌السلام نقل شده که فرمود: (الحسد يذيب الجسد)

حسودم چه کنم؟

زنی 24 ساله هستم که به تازگی نامزد کرده‌ام . از مشکلی رنج می‌برم که جانم را می‌سوزاند و به تمام وجودم چنگ می‌اندازد . خودم بهتر از هر کسی می‌دانم که هیچ کس در ایجاد این مشکل دخیل نیست .

شاید باور نکنید، اما در زندگی همه چیز دارم . شغل مناسب، تحصیلات، رفاه نسبی و همسری خوب، اما نسبت به دیگران همیشه حس حسادت دارم . نشانه‌های حسد ورزی به قدری در من شدید و بارز است که خیلی روی رفتار و حرکاتم اثر می‌گذارد و سریعاً واکنش نشان می‌دهم، به طوری که همه اطرافیانم متوجه تغییر حالت چهره‌ام می‌شوند . کوچک‌ترین پیشرفت در زندگی دیگران، آزارم

می دهد . آرزو می کنم که همه به لحاظ تحصیلی، شغلی و مالی از من پایین تر باشند و هزاران آرزوی بیمارگونه دیگر .

اکنون به قدری از این حس بیمارگونه، درمانده شده ام که نمی توانم به زندگی عادی ام ادامه دهم . به شدت عصبی و خودخور شده ام و دائما اضطراب دارم که نکند از دیگران عقب بمانم . لطفا کمک کنید .

1 . سوره نساء، آیه 54.

«میترا- س» - از اهواز⁽¹⁾

(الحسد یفنی الجسد)

حسد بدن را از بین می برد .

(الحسود دائم السقم)

حسود همیشه بیمار است .

(الحسود ابدا علیل)

حسود همیشه بی چاره و ناتوان است .

حسادت قاییل

امام صادق علیه السلام فرمود: خداوند سبحان به آدم و حی می کرد که اسم اعظم و وصیت نبوت را به هابیل اختصاص دهد .

قابیل که برادر بزرگتر بود پس از اطلاع خشمگین شده اعتراض کرد و گفت من بزرگترم و برای چنان موقعیتی سزاوارتر می باشم .

خداوند سبحان به آدم و حی کرد برای اینکه کشف واقع شود و امتیاز هر کدام آشکار گردد بگو قربانی بنمایند از هر کدام قبول شد او صاحب این امتیاز است . و در آن زمان رسم بود هر که قربانی می کرد وقتی مورد قبول واقع می شد که آتش آسمان قربانی را فرا گیرد .

قرآن کریم در این باره می فرماید: ای پیامبر ما حکایت دو فرزند آدم را برای آنها بخوان هنگامی که هر یک از آن دو قربانی کردند و از یکی قبول شد و از دیگری مقبول واقع نگشت .

هابیل گوسفنددار بود . گوسفندی فربه از میان گله خود جدا نموده برای قربانی به محل معینی آورد . ولی قابیل که کشاورز بود یک دسته از گندمهای بی ارزش که دانه های لاغر داشت برداشته به قربانگاه آورد . در این هنگام شراره ای از آسمان فرود آمده و قربانی هابیل را فرا گرفت معلوم شد که خداوند سبحان قربانی او را قبول کرده از این جهت قابیل

1 . دنیای امروز، شماره 21.

بر برادر خود حسد ورزید و زمینه کشتن او را فراهم کرد . وسوسه شیطان نیز بیشتر او را تهییج نمود زیرا به او گفت این قبول شدن قربانی فعلا مهم نیست چون اختلاف بین تو و برادرت می باشد اما در آینده کهنسالهایتان زیاد گردید همین باعث افتخار اولاد هابیل بر فرزندان تو خواهد شد .

روزی قایل گریبان برادر خود را گرفت و به وسیله سنگی او را کشت پس از کشتن سرگردان شد که با بدن برادر خود چه معامله‌ای کند. در این هنگام دو کلاغ را مشاهده کرد که با یکدیگر در جنگند. یکی از آندو دیگری را کشت و با چنگال خود زمین را حفر نمود لاشه کلاغ را در آنجا پنهان کرد در قرآن کریم نیز آمده است که (قایل با خود گفت: وای بر من آیا از کلاغی کمترم که بدن برادرم را بپوشانم. پس از انجام این عمل پشیمان شد.) شیطان نیز اولین کاشانه بت پرستی را در زمین از این روز بنا نهاده پیش قایل آمده گفت می‌دانی چرا قربانیت قبول نشد جواب داد نه گفت چون آتش را تعظیم نمی‌کنی اگر بخواهی بعد از این قربانی‌هایت قبول شود باید خانه‌ای را مخصوص آتش پرستی قرار دهی و آنرا عبادت کنی. قایل اول کسی بود که آتش پرستی را قبول کرد. و این همه نتیجه حسادت بود.⁽¹⁾

روزی پیامبر اسلام صلی‌الله‌علیه‌وآله فرمود: توجه داشته باشید که برآستی روی آورده بسوی شما درد و مرضی که امتهای پیشین را فرا گرفته بود و آن حسد است. موی بدن را نهی زداید ولی زداینده و نابود کننده دین است.

انسان در صورتی از بلای حسد در امان است که دست و زبان خود را نگه دارد و طعنه بر برادر خود نزنند و سخن چینی درباره اش نکنند.⁽²⁾

امام صادق علیه‌السلام به ابن جعفر فرزند نعمان احوال فرمود: دشمن تر از همه شما نزد من بزرگ منش‌هایی هستند که سخن چین و حسد ورزند نسبت به برادرانشان. نه آنها از منند و نه من از آنهایم سپس فرمود به خدا قسم هرگاه یکی از شما به اندازه روی زمین طلا در راه خداوند سبجان بدهد بعد از آنکه نسبت به مؤمنی حسد ببرد بوسیله همان طلاها پوست

2. پند تاریخ .

بدنش را در جهنم می سوزاند .⁽¹⁾

(الحسود مغتاط علی من لا ذنب له)

حسود خشمگین است بر کسی که به او ظلمی نکرده .

مهمترین خصوصیت حسادت این است که در میان همه طبقات بوده و هر شخص با هر شغلی می تواند دارای این صفت رذیله باشد مثلاً از دو نفر کارمند یک اداره گرفته که بر سر رسیدن به ریاست و یا رتبه و درجه نسبت به همدیگر شاید حسادت بورزند تا دو نفر مسئول گدا نسبت به همدیگر حسادت می ورزند و در فکر کوچک کردن و جلوگیری از پیشرفت همدیگر باشند لذا باید به دستورات اسلام در زمینه جلوگیری از ریشه دار شدن حسادت عمل کرد .

در این باره روایتی از رسول خدا صلی الله علیه و آله است که فرمود: خدای عزوجل به موسی بن عمران علیه السلام فرمود:

ای پسر عمران بر آنچه از فضل خود بمردم داده ام حسد مبر و چشمت را دنبال آن در از مکن و دلت را پی آن مبر زیرا حسد برنده از نعمت من ناراحت است و از تقسیم که میان بندگانم کرده ام جلوگیری است و کسی که چنین باشد من از او نیستم و او از من نیست .⁽²⁾

نمونه ای از کیفر حسود

آورده اند که در زمان خواجه نصیر طوسی چون هلاکو خان خواجه را وزیر خود نمود در میان درباریان هلاکو خان فقط خواجه نصیر شیعه بود لذا وزرای مخالف او که نسبت به وی حسادت می ورزیدند تصمیم گرفتند خواجه را از بین ببرند لذا منتظر فرصت بودند تا اینکه مادر هلاکو خان

آمدند و گفتند چون مادر شما از دنیا رفته و طبق اعتقاد مسلمانان شب اول قبر نکیر و منکر از او سؤال و جواب می نمایند شاید ما در شما نتواند به سؤالات جواب دهد لذا دچار عذاب خواهد شد .

هلاکو خان گفت : پس چه باید کرد گفتند چون خواجه از نظر بیان بسیار سخنگو و حاضر جواب است لذا او را با مادرتان دفن نمایید تا او بجای مادرتان جواب داده و

1. خوبی ها و بدی ها - تحف العقول/309

2. خوبی ها و بدی ها - الکافی/307/2

مادرتان دچار عذاب نشود .

هلاکو خان این پیشنهاد را قبول کرده و خواجه را احضار کرد و این مطلب را با او در میان گذاشت .

خواجه نصیر با زیرکی جواب داد که من حرفی ندارم و حاضر هستم این عمل را انجام دهم ولی مگر نمی دانید که شما هم بالاخره خواهی مرد و نکیر و منکر سراغ شما خواهند آمد لذا مرا برای خود نگه دارید و یکی از همین وزرای مخالف را با مادرتان دفن کنید و همین کفایت خواهد کرد پس هلاکو خان دستور داد که از سر دسته آنها را با مادرش دفن نمودند و حسادت آنها به خودشان برگشت .⁽¹⁾

امام صادق علیه السلام فرمود: حسد ایمان را می خورد چنانکه آتش هیزم را می خورد .⁽²⁾

نتیجه شوم حسادت

آورده اند که شخصی همسایه ای داشت و به همسایه اش بسیار حسادت می ورزید مخصوصا اگر پیشرفت و ترقی برای همسایه حاصل می شد آتش حسادت این شخص شعله ورت می گردید تا اینکه

از طرف حاکم شهر پست مهمی به این همسایه واگذار گردید که باعث غم و اندوه بیشتر این شخص حسود گردید تا اینکه طاقت نیاورده و غلام خود را احضار کرد و به او گفت باید کاری که می‌گویم انجام دهی تا هم آزاد گردی و هم پاداش خوبی برای تو در نظر می‌گیرم .

غلام گفت تو ارباب و آقای من هستی و هر چه بگویی به دیده منت انجام می‌دهم .

ارباب گفت این همسایه ما اخیرا پست مهمی گرفته و من نمی‌توانم ترقی و ریاست او را ببینیم لذا تو باید مرا بکشی و جسد مرا بر بالای پشت بام خانه او بیاندازی تا او را دستگیر کرده و حداقل مدتی را در زندان باشد تا من کمی دلم خنک شود .

غلام گفت این چه عملی است که من باید انجام بدهم و این کمال حماقت است که خود را در راه حسادت بکشتن بدهی و بعلاوه بعد از مردن دیگر برای شما سودی ندارد که او در زندان باشد یا نباشد اما این شخص حسود بر دستور خود اصرار ورزیده و غلام

1 . خوبی‌ها و بدی‌ها .

2 . خوبی‌ها و بدی‌ها - پیام پیامبر/424

نیز ناچارا ارباب خود را کشته و جسد او را بالای پشت بام همسایه انداخت و مأمورین شهر نیز شخص همسایه را به جرم قتل دستگیر کرده و زندانی نمودند ولی غلام نزد قاضی رفته و کل ماجرا را برای او تعریف نمود و قاضی نیز حکم به آزادی غلام و شخص همسایه نمود .

درمان حسادت

از نظر عقل و شرع ، حسادت مرض روحی است که باید کنترل شود . و شخص حسود بجای حسادت به غبطه و رقابت روی بیاورد . اگر دیگری در یک فضیلتی از او بالاتر است ، او هم سعی کند با تلاش و زحمت خود را به او برساند و حتی از او بالاتر رود . اگر یک مغازه دار درآمدش از مغازه دار دیگر بیشتر است ، دیگری بجای حسادت و خراب کردن او ، بفکر روش های بهتر و جدیدتر سالم برای کسب درآمد بالاتر بیافتد . همچنین اگر در کلاسی دانش آموزی زرنگ و دیگری تنبل است ! تنبل بجای حسادت و تحقیر زرنگ ، بفکر اصلاح خود و رقابت با زرنگ بیافتد . و همچنین دیگر افرادی که به یک نوعی نسبت به هم حسادت دارند .

همانطور که امام حسین علیه السلام فرمود ما نسبت به برنج و آب فرات مردم عراق غبطه می خوریم . یعنی ای کاش ما هم از این نعمت مردم عراق بهره مند بودیم . نه اینکه خدا کند این نعمت مردم عراق از شان گرفته شود و دیگر این نعمت را نداشته باشند !

1 . پند تاریخ .

2 . خوبی ها و بدی ها - ارشادالقلوب 136/1

